

فقه الحیل الشرعیہ

○ سید حسن فاطمی

نقل می‌یابد. البته گاهی این امر اتفاق می‌افتد که ناشی از عدم توجه متعامل است.

«ترک قرض و تجارت» هم درست نیست؛ زیرا با این اموال، حرکت تجاری و استقراضی و سودآور بیشتر می‌شود.

اشکال سوم: در حیل‌های شرعی تنها صورت معامله مثلاً به بیع تغییر می‌یابد اما بیع مقصود واقعی نیست. به عبارت دیگر عرف معترف است که چنین بیعی در ظاهر بیع است اما در واقع قرض است پس زیادی هم باطل است؛ زیرا العقود تابعة للقصد.

پاسخ: حیل‌ها مبتنی بر بیع حقیقی هستند و طرفین عقد باید به آثار آن ملتزم باشند. بنابر این مشتری می‌تواند پس از بیع اول، مبیع را دوباره به بایع نفروشد. به عبارت دیگر راه قانونی شرعی نمی‌تواند مشتری را ملزم به بیع دوم کند.

اشکال چهارم: ربا به معنای عام یعنی زیادی در برابر مدت و این امر در حیل‌های شرعی هم راه دارد.

پاسخ: الف) مفاسد ربای محض، شدید است اما ربا در حیل‌ها مستتر است و زمینه فساد اقتصادی را فراهم نمی‌کند.

ب) ربای حرام ربای انشائی است یعنی معامله‌ای که در برابر مدت، زیادی تصاعدی وجود دارد.

اشکال پنجم: مشروع دانستن حیل‌ها با روح قانون مخالفت دارد؛ زیرا نتیجه آنها با ربا یکی است.

پاسخ: این امر کنار گذاشتن قانون نیست بلکه در واقع استفاده از بندهای دیگر قانون است و به همان نتایج ربوی منجر نمی‌شود.

اشکال ششم: اگر این راه‌های فرار جایز است چرا از سوی شارع بیان نشده‌اند؟

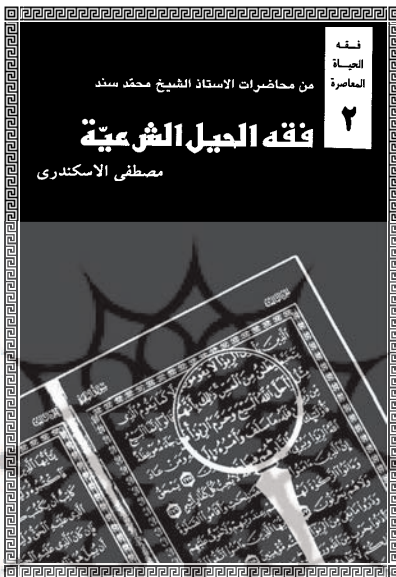
پاسخ: در روایات، حیل‌های شرعی بیان شده است؛ مانند اخبار بیع به شرط قرض و اخبار ضمیمه.

اشکال هفتم: دو روایت در عدم جواز حیل رسیده است:

الف) یونس بن شیبانی می‌گوید:

قلت لابی عبدالله (ع): الرجل یبیع البیع و البائع یعلم انه لایسوی و المشتري یعلم انه لایسوی الا انه یعلم انه سیرجع فیه فیشرته منه.

قال: یا یونس، ان رسول الله قال لجابر بن عبدالله: کیف انت اذا ظهر الجور و اورثهم الذل؟



○ فقه الحیل الشرعیہ

○ مصطفی اسکندری (تقریرات درس

استاد محمد سند)

○ دارالغدیر، ۱۴۲۳ق

استاد شیخ محمد سند از فضایی حوزه علمیة قم است که ملتی محور درس او بررسی حیل‌های شرعی در ربا بوده است. این مباحث را آقای مصطفی اسکندری تقریر کرده و با عنوان فقه الحیل الشرعیة به چاپ رسیده است. با توجه به اینکه بحث ربا و بانکداری اسلامی از امور مهم در عصر حاضر به شمار می‌رود مناسب دانستیم به مباحث آن اشاره داشته باشیم. روشن است که کتاب در بردارنده مباحث دقیق است و برای اطلاع از مطالبه مطالعه کتاب لازم است و آنچه در اینجا می‌آید صرفاً جهت آشنایی مختصر با مطالب مطرح در آن است. مباحث کتاب را به طور کلی می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

الف) بررسی اشکالات وارد بر مطلق حیل‌های شرعی

اشکال اول: شدت تعبیر در آیات و روایات تحریم ربا (مانند جنگ با خدا و رسول (ص))، به گونه‌ای است که انسان یقین می‌کند که شارع مقدس راضی نیست که با تعبیر صوری بتوان به همان نتیجه ربا رسید.

پاسخ: در قوانین، نوع معامله و متعامل مورد توجه است نه فرد آنها. بنابر این حیل‌های شرعی، تغییر صوری نیستند بلکه به گواهی تجربه با به کار گرفتن آنها امر اقتصادی جدیدی پدید می‌آید.

اشکال دوم: در نصوص، علت و حکمت تحریم ربا ذکر شده است؛ یعنی ظلم، فنای مال، ترک عمل نیکوی قرض (چون وقتی بتوان مال اضافه‌ای گرفته دیگر کسی به آسانی قرض نمی‌دهد)، ترک تجارت و فعالیت‌های اقتصادی.

پاسخ: اما «ظلم» تنها در ربای محض صریح است نه در حیل شرعی؛ زیرا در ربای محض است که قرض دهنده، نمای عین مشخصی را می‌گیرد که مالک عین و مالک نمای آن، قرض گیرنده است. این مشکل در حیل شرعی راه ندارد؛ زیرا در بیع محاباتی یا هبه یا اجاره، باید شخص با داعی جدی اقدام کند و در نتیجه باید به آثار آن ملتزم باشد.

در مورد «فناهی مال» باید گفت که در اینجا محقق نیست؛ چون بدل مال

مستحق یک دینار است و این ربا نیست؛ زیرا چنین استحقاقی به موجب عقد قرض نیست بلکه به موجب جعاله است.

۴. **ضمان غرامت.** مثلاً زید ده دینار به خالد بدهکار است و خالد طلب خود را می‌خواهد. زید با مراجعه به بانک درخواست می‌کند که بدهی‌اش را مستقیم به خالد بدهد. در این حالت زید پولی را به عنوان قرض از بانک نگرفته و به ملکیت او در نیامده تا پرداخت پول اضافه به بانک ربا به شمار آید. بنابر این زید با امر به بانک که بدهی او را به خالد بپردازد ضامن مال تلف شده بانک است و هنگام امر به پرداخت دین به خالد اگر ملتزم شود که بیش از ده دینار را به بانک بدهد، ربا نیست؛ زیرا قرضی تحقق نیافته که سبب ربا شود.

۵. **زیادی در برابر اسقاط حق وفا در مکانی که قرض در آن صورت گرفته.** گاهی شخص با مراجعه به بانک در ایران، تقاضای وام برای وکیلش مثلاً در هند می‌کند. سپس پول را به وکیلش در هند می‌دهد. در این مثال، عقد قرض در هند واقع شده است و حق قرض‌دهنده است که گیرنده قرض را به پرداخت آن در هند ملزم کند. حال که شخص نمی‌خواهد بدهی خود را در هند بپردازد، بانک می‌تواند از این بابت، مقدار بیشتری اخذ کند و این ربا نیست.

۶. **تغییر قرض به بیع.** مثلاً زید هزار تومان را به هزار و صد تومان می‌فروشد تا دو ماه دیگر پرداخت شود. در اینجا ربایی صورت نگرفته؛ زیرا پول، نه مکیل است و نه موزون.

۷. **فروش پول به پولی از جنس دیگر.** مثلاً فروش یک دلار به دو هزار تومان.

۸. **گرفتن زیادی برای غیر طلبکار.** به این صورت که بانک به عنوان وکیل از سوی کسانی که پول را به عنوان ودیعه نزد او قرار داده‌اند، به دیگری قرض می‌دهد. در این صورت قرض‌دهنده واقعی صاحبان پول هستند نه بانک. بنابر این بانک می‌تواند با گیرندگان قرض شرط کند که باید هنگام باز گرداندن پول، مقداری را اضافه به بانک بدهند.

۹. **بیمه برای قرض.** بانک برای اینکه مالش باز گردد می‌تواند از شرکت بیمه بخواهد که وام‌ها را ضمانت کند و طبیعی است که شرکت بیمه در برابر وجهی که از گیرنده قرض می‌گیرد، ضمانت می‌کند و روشن است که این زیادی برای قرض نیست بلکه در برابر ضمانت است و ربا نخواهد بود.

۱۰. **راه پیشنهادی شهید صدر.** عمده‌ترین راهی که شهید صدر برای فرار از ربا ذکر کرده به اختصار این است که بانک از صاحبان پول، قرض نمی‌گیرد بلکه واسطه و وکیل از طرف آنها است تا عقد مضاربه را با عامل‌ها واقع سازد. این عمل او رایگان نخواهد بود و وکالت او در برابر جعاله است و جعاله از سوی صاحبان پول است. در این صورت آنان در برابر این عمل بانک درصدی از سود مضاربه را برای بانک به عنوان جعاله قرار می‌دهند. در این راه شرعی چهار عقد وجود دارد: عقد وکالت، جعاله، مضاربه و ضمانت تعهد یا جعل ضمانت.

۱۱. **وکالت در ایقاع معاملات.** بانک جهت تعامل با عاملان، وکیل است البته نه در خصوص مضاربه - چنان‌که در حیلۀ قبل بود - بلکه در تعامل با آنها در چند معامله مانند اجاره به شرط تملیک، نسبه، سلفه، جعاله، مزارعه، مساقات و شرکت.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - وسائل الشیعه، باب ۱ از ابواب احکام عقود، حدیث ۵.
- ۲ - وسائل الشیعه، باب ۲۰ از ابواب ربا، ح ۴.

قال: فقال له جابر: لا یقیت الی ذلک الزمان و متی یکون ذلک بایی انت و امی؟

اذا ظهر الربا یا یونس و هذا الربا فان لم تشتره رده علیک؟ قال: قلت: نعم.

قال: فلا تقرینه فلا تقرینه^۱.

در نهج البلاغه از قول پیامبر اکرم (ص) آمده است:

یا علی ان القوم سیفتنون باموالهم... و یستحلون حرامه بالشبهات الکاذبة و الالهواء الساهیه فیستحلون الخمر بالنبید و السحت بالهدیه و الربا بالبیع^۲.

پاسخ: علاوه بر اینکه روایت اول ضعف سند دارد، فرض این است که در بیع اول، بیع دوم شرط شده است.

روایت دوم هم مجمل است و نمی‌تواند با روایات مستفیض معارضه کند.

اشکال هشتم: شارع مقدس ربا را در مواردی که ربای حقیقی نیست، حرام کرده تا مکلفان در ربای حقیقی گرفتار نشوند، مانند ربا در معدود و ربا در مکیل و موزون با اختلاف در جنس. این نشان می‌دهد که شارع نسبت به دوری جستن از این مفسده اهمیت می‌دهد. بنابر این چگونه می‌توانیم با حیلۀ در همان مفسده‌ها بیفتیم؟!

پاسخ: اولاً، شارع در آن موارد، نص خاص دارد و در غیر آنها مانعی نمی‌بینیم. ثانیاً، اصح در نظر ما این است که ربا در معدود و مختلف الجنسین نیست.

اشکال نهم: آیات تحریم ربا به اهل کتاب اشاره دارد؛ زیرا آنان در ابتدا حیلۀ شرعی را به کار می‌بردند و کم‌کم آن را جایز شمردند. بنابر این باید از اساس جلو حیلۀها را گرفت تا گرفتار ربا نشویم.

پاسخ: این مطلب همانند مؤید است و به درجۀ استدلال نرسیده است. از سوی دیگر ظاهراً مذمت در آیه به جهت این است که آنان ربای صریح را حلال می‌دانستند نه به جهت به کار بردن حیلۀ شرعی.

دیدگاه اهل سنت: حنبلی‌ها و مالکی‌ها حیلۀهای شرعی را به طور کلی حرام می‌دانند. حنفی‌ها و شافعی‌ها حیلۀهای رسیده از سوی شارع را - اگر در عقد شرط نشوند - جایز می‌دانند. اما متاخران آنها مانند «لجنة الافتاء المشرفة علی البنوک الاسلامیة» ظاهراً برخی حیلۀها را جایز شمرده‌اند.

(ب) بررسی حیلۀهای خاص

در این بخش از کتاب، یازده حیلۀ شرعی برای فرار از ربا بررسی شده است، البته حیلۀها به این موارد منحصر نیست و بررسی بقیۀ آنها به جلد بعد موکول شده است.

۱. **خرید یا فروش یا هبه به شرط قرض.** به این صورت که گیرنده قرض چیزی را به بیشتر از قیمت واقعی آن مثلاً ده درصد، از قرض‌دهنده می‌خرد به شرطی که مبلغ معینی پول به او قرض بدهد. یا چیزی را به کمتر از قیمت واقعی به قرض‌دهنده می‌فروشد و در ضمن عقد، شرط کند که مبلغ معینی را برای مدت معین به او قرض دهد.

۲. **ضمیمه.** مثلاً هزار تومان را به ضمیمه یک کبریت به هزار و دوپست تومان برای مدت یک ماه بفروشد.

۳. **گرفتن زیادی به جهت قرض دادن.** مثلاً بگوید: هر کس به من یک دینار قرض بدهد یک درهم به او خواهیم داد. در این صورت قرض‌دهنده

